

---

## پیشبینیهایی در باب: تعدیل اقتصادی، بخش کشاورزی و نیروی انسانی

---

محمد علیزاده

دهه ۱۹۸۰ شاهد ظهور پدیده‌ای بود که اگر چه پیش از آن نیز در حوزه‌های آکادمیک حضوری جدی داشت، اما به لحاظ قدرت دیدگاههای حمایتگرا، مجال حضور جهانی نمی‌یافت. این پدیده که تعدیل اقتصادی نام داشت سرانجام با ادعای در آستین داشتن راهبردهایی جهت نجات جامعه از حالت عدم تعادل و هدایت آن به حالت تعادل به صحنه جهانی گام نهاد. راهبردهای تعدیل اقتصادی، متوجه دگرگون سازی همه ساختارهایی بود که در نتیجه چند دهه اجرای سیاستهای حمایتگرا شکل گرفته بود. بعد آزادسازی تعدیل اقتصادی بدرستی متوجه حذف دولتی یا نیمه دولتی بودن تجارت خارجی شد. بعد خصوصی سازی آن با هدف حذف مالکیت‌های دولتی یا به عرصه وجود گذاشت و سرانجام بعد یکسان سازی نرخ ارز به آخرین مانع مبادله جهانی کالا یعنی چند نرخ بودن نرخ ارز به قیمت پول حمله برد.

از چند سال پیش، تعدیل اقتصادی به سیاست مسلط راهبرد گزینی اقتصادی در کشورها تبدیل شده و لزوم این تسلط از دو جهت توجیه شده است (۱) کسری بودجه داخلی در سطح کلان و (۲) عدم تراز پرداخت در سطوح بین‌المللی. به هر حال، تسلط این دیدگاه، سوالاتی را پیش‌روی سیاستمداران، برنامه‌ریزان و اندیشمندان گذاشت که پاسخ آن راهگشای مسائل و مشکلات متعدد و احتمالی است که در

نتیجه اجرای سیاست‌های مربوط به تعدیل رخ می‌کند. این سؤالات در بخش کشاورزی نیز مطرح شد. در این بخش سوال کلی (و سرچشمه دیگر سؤالات) این بود: آثار تعدیل اقتصادی بر بخش کشاورزی چیست؟ در پاسخ به این سوال ناگزیر باید براساس روندهای گذشته و حال به پیشینی آثار پرداخت. ناگفته پیداست که گفتگو در باب اینکه در فرایند اجرای سیاست‌های مربوط به تعدیل اقتصاد ایران، کار مهاجرت روستاییان به شهر و اشتغال به فعالیتهای کشاورزی به کجا می‌انجامد، آسان نیست. قیاس با دیگر کشورهایی که تجربه تعدیل را از سر گذرانده‌اند نیز راهگشا نخواهد بود. تفاوت‌های عمیق فرهنگی، اجتماعی و سیاسی موجود بین ایران و سایر کشورهای جهان و در نتیجه ناهمگونی در آثار و عوارضی که از تغییر نظم موجود و ورود به نظم نوین ایجاد می‌گردد، تکیه بر تجارب مشابه جهانی و تعمیم آنها بر ایران را تا حدودی غیرمنطقی می‌سازد. چون اصولاً به اتکای تفاوت ساختارها نمی‌توان گفت که در ایران نیز همان نتایج و پیامدهای فلان کشور آمریکای لاتین یا آسیا پدید می‌آید.

تنها بر مبنای اصل هماهنگی و وحدت بین وسیله و هدف می‌توان اطمینان یافت که در مراحل اولیه اجرای سیاست‌های مربوط به تعدیل اقتصادی، خواه ناخواه سازگاری و تطابق بسیاری از مکانیسم‌های فعلی با اصول و موازین این نظم نوین اقتصادی به هم می‌خورد. و از آنجا که در ایران نسبت به تغییر مکانیسمها و همخوانی آن با کارکردهای نوین، اندیشه و تفکری اصولی معمول نشده، مکانیسم‌های موجود به عوامل بازدارنده و دست‌وپاگیر نظام اقتصادی مبدل می‌شوند.

در همین جا باید گفت اگر اقتصاد کشاورزی کشور، به ظاهر و بنابه ادعا مشمول مؤلفه خصوصی‌سازی نمی‌شود، چون هم‌اینک حداقل از نقطه نظر مالکیت زمین، ماهیت آن کاملاً خصوصی است و دامنه و حیطه دخالت دولت در این بخش جز در موارد سیاست‌گذاری و اقداماتی چون ترویج و تنظیم قیمت محصولات استراتژیک و ارائه برخی از خدمات جانبی فراتر نمی‌رود، لذا در فرایند استقرار نظم نوین اقتصادی، فعالیتهای کشاورزی فقط از سوبسید، کمکها و حمایت‌های جانبی دولت محروم می‌گردد، اما حقیقت آن است که حذف سوبسید و در نتیجه بالا رفتن شدید هزینه تولید فراورده‌های زراعی - باغی و ناتوانی و عدم استطاعت مالی بهره‌برداران کوچک و کم زمین در تأمین بموقع و بسنده نهاده‌های مورد لزوم (کود، بذر، سم و...) وجه و جنبه ظاهری و مستقیم اثرات منفی استقرار این نظم نوین است و نه همه تبعات و پیامدهایی که به علت پیوند و همبستگی متقابل بخشهای مختلف اقتصاد یا به تعبیر روشتر در نتیجه عملکردهای کلان اقتصاد عاید و دامنگیر آن می‌شود. بنابراین باید متناسب و هماهنگ با سرعت و روندی که تعدیل ساختاری اقتصاد به خود می‌گیرد (خصوصی سازی، آزادسازی و یکسان سازی)، منتظر بروز



اختلالات و نابسامانیهایی نیز در ابعاد و الگوی سرمایه‌گذاری، مصرف، اشتغال، پس‌انداز، درآمد و... و به تبع آنها در حد نگهداشت جمعیت در حوزه اقتصاد روستایی کشاورزی بود.

فعالیت‌های کشاورزی که در حال حاضر اساس و وجه غالب تولید و معیشت حوزه اقتصاد روستایی کشور را تشکیل می‌دهد و حد نگهداشت جمعیت و پیدایش مازاد نیروی کار در روستاها تا حدود زیادی به رشد و عملکردهای آن ارتباط می‌یابد، هم‌اکنون و حتی پیش از در غلتیدن به درون جریان خصوصی‌سازی و آزادسازی اقتصاد کشور، از کاستیها و نارساییهای بنیادی و ریشه‌داری رنج می‌برد. بیکاریهای وسیع آشکار و پنهان و برونکوچیهای فزاینده و اجتناب‌ناپذیری که هر ساله از نواحی روستایی به شهرها صورت می‌گیرد و به رشد و توسعه کالبدی سریع و مهارناپذیر شهرها، حاشیه‌نشینی، جدازیستی و تغییر

غیر اصولی بسیاری از کاربریها منابع حیاتی طبیعی از جمله، زمین و آب می‌انجامد، در واقع زاینده همین نارساییهاست، نارساییهایی که خود تا حدود زیاد ریشه در طبیعت نا کارآمد نظام مالکیت ارضی کشاورزی و نابرابریهای شدید موقعیت زارعان در دسترسی به اعتبار، آب، بذر و بازار دارد.

تحول ابعاد ارضی بهره‌برداران کشاورز در طی ۸ دهه گذشته و شرایطی که هم‌اینک از این نقطه نظر بر نظام اقتصاد کشاورزی کشور حاکم است و مبتنی بر تمرکز فوق‌العاده سنگین بهره‌برداران در طبقات کوچک ارضی است، نشان می‌دهد که آثار و نتایج اصلاحات ارضی دهه ۴۰ و اواخر دهه ۵۰ یا سالهای اولیه انقلاب از نقطه نظر مالکیت ارضی بر اثر سوء کارکردهای جمعیتی - اقتصادی بتدریج محو و ضایع شده است، به گونه‌ای که همانند سال ۱۳۲۹ باز هم نیمی از بهره‌برداران کشاورزی کشور یا بی‌زمین‌اند و یا فوق‌العاده کم زمین. شاهد مدعا آنکه بنابه آمارهای سال ۱۳۶۷ سرشماری کشاورزی، ۱/۶۵۰ میلیون یا درست نیمی از ۲/۳ میلیون نفر از دست‌اندرکاران فعالیتهای کشاورزی کشور را همین بهره‌برداران بدون زمین یا دارای کمتر از ۲ هکتار زمین تشکیل می‌دهند، مجموعه اراضی که در اختیار این بهره‌برداران است از ۸۲۸ هزار هکتار یا ۴/۸ درصد کل اراضی کشور بیشتر نیست جدولهای ۱، ۲، ۳

بدین ترتیب، حداقل ۳۹ درصد یا معادل ۹/۳ میلیون نفر از جمعیت ۲۴ میلیون نفری جامعه روستایی کشور (۱۳۷۰) عبارتند از این بهره‌برداران و خانوار تحت تکفل آنها. این بهره‌برداران قشرهایی را تشکیل می‌دهند که به سبب در دست نداشتن امکانات مکفی تولید، همواره آسیب‌پذیرند و فقط از طریق صدور مازاد نیروی کار به کانونهای شهری، تعادل معیشتی را با منابع تولیدی محدودی که در اختیار دارند حفظ می‌کنند.

معمولاً این نوع بهره‌برداران (دهقانی) هم به دلیل موقعیت اقتصادی شکننده و هم زادواری بی‌رویه و تعدیل نشده‌ای که دارند، سریعتر از سایر طبقات بهره‌بردار کشاورز، دستخوش پدیده تجزیه و خرد شدن اراضی زراعی تحت تملک (بر اثر عامل توارث) و دشواری در دسترسی به منابع مکفی درآمدی و فرصتهای اجتماعی می‌شوند.

نمود عینی زمینه‌های شکنندگی و ناستواری و لرزان بودن بنیانهای تولید و معیشت جامعه دهقانی ایران را می‌شود از تشدید انباشت و تمرکز بهره‌برداران در اراضی کشاورزی زیر ۲ هکتار کشور به وضوح لمس کرد. چرا که در خلال سالهای ۱۳۲۹ - ۱۳۶۷ در حالی که بر وسعت اراضی کشاورزی دهقانان دارای کمتر از ۲ هکتار زمین به میزان ۳۵/۶ درصد افزوده شده، تعداد دهقانان متمرکز در این اراضی نیز به میزان ۴۵ درصد افزایش یافته است. که این خود جز از محدودتر شدن نسبی امکانات معاش خانوارهای

## فعالیت‌های کشاورزی

که در حال حاضر اساس و وجه غالب تولید و معیشت حوزه اقتصاد

روستایی کشور

را تشکیل می‌دهد و حد نگهداشت جمعیت و پیدایش مازاد نیروی کار در

روستاها تا حدود زیادی

به رشد و عملکردهای آن ارتباط می‌یابد، هم‌اکنون و

حتی پیش از در غلتیدن به درون جریان خصوصی سازی و آزادسازی

اقتصاد کشور

از کاستیها و نارساییهای بنیادی و ریشهداری رنج می‌برد.

کشاورز جامعه روستایی کشور می‌دهد. حال، اساسیترین سؤال این است، که آیا با دشوارتر شدن امکان دسترسی این زارعان (در مراحل استقرار نظم نوین اقتصادی ایران) به نهادهای کشاورزی و تشدید عرضه جدید نیروی کار ناشی از طی کردن حداقل ۲ دهه رشد انفجار آمیز طبیعی جمعیت جامعه روستایی، نباید انتظار داشت که در جریان تعدیل ساختارهای اقتصادی کشور، وضعیت مهاجرزایی روستاها و اشتغال کشاورزی، از آنچه هم‌اینک هست، وخامت بیشتری به خود بگیرد؟ متأسفانه در شواهد و پیشزمینه‌های امر کوچکتری روزنه امیدی برای اظهار خوشبینی دیده نمی‌شود.

این شواهد عبارتند از:

### — ازدیاد طبیعی جمعیت و فرآیندگی عرضه نیروی کار

علی‌رغم تأثیرپذیری مثبت رفتارهای جمعیتی از اعمال سیاستهای تعدیل رشد جمعیت، در دهه بعدی نیز نواحی روستایی همچنان به روند افزایش طبیعی بالای جمعیت خود ادامه خواهد داد. ساختار فعلی فوق‌العاده جوان و مبتنی بر وجود بیش از ۴۷ درصد جمعیت در گروههای سنی زیر ۱۵ سال، که در خلال سالهای آینده بتدریج وارد مقاطع سنی تشکیل خانواده و زادویش می‌شود، چندان فرصتی به تعدیل شدن آهنگ رشد طبیعی جمعیت روستایی نمی‌دهد. مگر آنکه برخلاف عرف، موازین و اصول حاکم بر یک جامعه اسلامی، روند ازدواج جوانان روستایی دچار وقفه و رکود چشمگیری شود.

اگر چنین چشم‌انداز واقعبینانه‌ای از روند افزایش جمعیت محقق شود، در این صورت از جمعیت ۲۴ میلیون نفری فعلی (سال ۱۳۷۰) در نواحی روستایی، به‌طور طبیعی افزایشی معادل ۷/۵ میلیون نفر در دهه آینده ایجاد می‌شود. با توجه به مسن‌تر شدن ترکیب سنی جمعیت روستایی، حجم و شمار جمعیت فعال در این جمعیت ۳۱/۵ میلیون نفری (۲۴ میلیون فعلی به اضافه ۷/۵ میلیون افزایش طبیعی)، به ۹/۶ میلیون نفر می‌رسد (جدول شماره ۲)، یعنی اگر نواحی روستایی در سالهای ۱۳۷۰ - ۸۰ به‌فرض محال، با هیچ‌گونه برونکوچی جمعیت مواجه نشود با ۳/۴ میلیون نیروی کار تازه نفس یا متقاضی جدید شغل روبه‌رو می‌گردد. در حالی که در عمل چنین نمی‌شود، بخش عمده این نیروها به‌خاطر نبود امکانات کار، راه به اشتغال در بنیانهای اقتصاد روستایی نمی‌برد، بیکار و عاطل و باطل می‌ماند. همه امید و نگاه خود را در این شرایط، به فرصتها و افقهایی می‌دوزد که در بیرون از حوزه عملکرد روستا، یعنی شهرها متصور است، یعنی به‌جایی که در اثر استقرار نظم نوین اقتصادی و گذراندن دوره انتقال از اقتصاد دولتی به خصوصی، خود به ورطه آهنگ کند شکل‌گیری و خلق ظرفیتهای جدید شغلی گرفتار آمده است.

### محدودیت امکانات زیرساختی

ایران در خلال نخستین سالهای استقرار نظم نوین اقتصادی، با دشواریها و تنگنایهای بیشتری در زمینه بهره‌گیری از منابع انسانی روبه‌رو می‌شود. در حالی که عرضه جدید نیروی کار بر اثر پشت سر گذاشتن دو دهه رشد فوق‌العاده شتابان جمعیت، هر آن روند فزاینده‌تری می‌گیرد، تزلزلهای، دودلیها و ابهام در دورنمای نتایج نظم جدید اقتصادی، طبعاً روند کندتر سرمایه‌گذاریهای خصوصی، عدم اشتغال‌زایی متناسب و مکفی بخشهای اقتصادی بخصوص بخشهای مدرن اقتصاد را به همراه می‌آورد، که ارمغانی جز تشدید پدیده بیکاری بر آن مترتب نیست.

با تحلیل رفتن درآمدهای نفتی و اختصاص یافتن عمده این درآمدها، به باز پرداخت اصل و فرع بدهیهای خارجی، منابع سرمایه‌ای نسبتاً کمتری صرف مهار و انتقال آبهای سطحی و بسط و گسترش شبکه‌های آبیاری و در نتیجه توسعه اراضی کشاورزی می‌شود. در زمینه توسعه شبکه‌های ارتباط روستایی و تامین انرژی که سهم بسزایی در کاهش ضایعات محصولات کشاورزی و هزینه‌های تولید و افزایش بازده محصول در واحد سطح دارند، نیز همین جریان اتفاق می‌افتد. و با این رویداد فرصتهای شغلی محدودتری در فعالیتهای غیر کشاورزی، یعنی اموری که اشتغال‌زایی آنها نقش فوق‌العاده حایز اهمیتی در ارتقای سطح درآمد، کاهش بیکاریهای پنهان و آشکار و فصلی و از همه مهمتر تعدیل و مهار مازاد نیروی کار یا جمعیت

تنها بر مبنای اصل هماهنگی و وحدت بین وسیله و هدف می‌توان اطمینان یافت که در مراحل اولیه اجرای سیاست‌های مربوط به تعدیل اقتصادی، خواه ناخواه سازگاری و تطابق بسیاری از مکانیسم‌های فعلی با اصول و موازین این نظم نوین اقتصادی به هم می‌خورد. و از آنجا که در ایران نسبت به تغییر مکانیسمها و همخوانی آن با کارکردهای نوین، اندیشه و تفکری اصولی معمول نشده، مکانیسم‌های موجود به عوامل بازدارنده و دست‌وپاگیر نظام اقتصادی مبدل می‌شوند.

بالقوه مهاجر روستایی دارد، شکل می‌گیرد.

اعمال سیاست حذف سوبسید و دریافت قیمت تمام شده خدمات و نهاده‌ها، بخصوص در زمینه برق، و بویژه در نواحی و مناطقی که آب از راه پمپاژ بر اراضی زراعی سوار می‌شود، ضمن بالا بردن هزینه‌های تولید محصول، ممکن است تغییر کاربری اراضی را نیز به دنبال آورد. به هر حال بنابه این فعل و انفعالات، در نخستین سالهای خصوصی سازی و آزادسازی اقتصاد، می‌بایست هم شاهد شکل‌گیری مازاد نیروی کار و به تبع آن منتظر جمعیت بالقوه مهاجر بیشتری در عرصه اقتصاد روستایی کشور بود و هم با توجه به نارساییها و تنگناهایی که به واسطه اعمال همین سیاست در بازار کار شهرها بروز می‌کند و باعث کندتر شدن امکان جذب مهاجران روستایی می‌شود، شاهد ازدیاد روند بیکاری و اشتغال کاذب، سقوط بهره‌وری و تشدید فرسایش منابع طبیعی خاصه خاک، مرتع و جنگل را در کل نظام اقتصادی ایران خواهیم بود.

### محدودیت بازار کار شهری

در خلال چند سال آینده، در اقتصاد شهری ایران، روندهای امیدوارکننده‌ای از جذب اصولی مازاد نیروی کار روستایی و تخفیف و تسکین فشارها و بی‌تعادلیهایی که بر اثر انباشت بی‌رویه منابع انسانی دامنگیر نوحی روستای و بخصوص اقتصاد کشاورزی کشور می‌شود، دیده نخواهد شد.

- علل و عوامل کاملاً آشکار و ملموسی برای بحرانی‌تر شدن وضعیت اشتغال و کاربری منابع انسانی وجود دارد که نمی‌شود نسبت به آنها بی‌اعتنا بود. از جمله:
- (۱) کاهش منابع سرمایه‌ای ناشی از سقوط درآمد نفت.
  - (۲) کاهش نسبی بودجه‌های عمرانی و در نتیجه کندتر شدن جریان ساخت و سازهای زیربنایی.
  - (۳) تعطل و تمارض منابع سرمایه‌داری خصوصی در کار انداخت سرمایه به امور تولیدی، ناشی از طبیعت مبهم شرایط و دوره گذار.
  - (۴) کمبود امکانات سرمایه‌گذاری مورد لزوم فرایند نوسازی ماشین‌آلات و تجهیزات کارخانه‌ای.
  - (۵) لزوم تعدیل در انباشت نیروی کار بسیار از بنیانهای موجود صنعتی تحت پوشش دولت یا به‌عبارت دیگر کاهش نیروی کار زاید برنیاز.
  - (۶) تداوم و احیاناً تشدید شرایط تورمی، کاهش مستمر و مداوم درآمد حقیقی مزد و حقوق‌بگیران و در نتیجه تضعیف مدام قدرت خرید مردم.
- بنابه این دلایل بعید به‌نظر می‌رسد بخش مدرن صنعتی و بخش ساختمان، در خلال سالهای ۱۳۷۰ - ۸۰ بویژه طی سالهای دومین برنامه توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی ایران، به آن درجه از رشد تولید دست یابند که علاوه بر جذب نیروی کار جدید شهرنشین، قادر به اختصاص دادن جایی برای مهاجران روستایی متقاضی کار نیز باشند.
- از این‌رو به‌نظر می‌رسد، در خلال سالهای دومین برنامه توسعه، اقتصاد کشاورزی، بخصوص در غرب و شمال‌غربی ایران که زمینهای کشاورزی بسیار کوچک و پراکنده است و تراکم حیاتی جمعیت نیز نسبتاً بیشتر، با مازاد نیروی کار و انحطاط کاربریهای منابع طبیعی زیاده‌تری روبرو شود. علاوه بر این در بازار کار شهرهای کشور نیز باید اشتغال کاذب بیشتری را انتظار کشید. که این هر دو به منزله سقوط بهره‌وری در اقتصاد ملی خواهد بود.





جدول شماره ۱:

تعداد بهره‌برداران کشاورزی، تعداد اراضی در سالهای ۵۳ - ۱۳۶۷

طبقات بهره برداری			تعداد بهره‌بردار (به ۱۰۰۰)			وسعت اراضی (هزار هکتار)
			۱۳۶۷	۱۳۵۳	۱۳۳۹	۱۳۶۷
بدون زمین			۴۷۷	۵۱۳	۵۰۸	-
کمتر از ۲ هکتار			۱۱۷۴	۱۰۵۶	۷۴۹	۸۲۸
۲ تا ۵ هکتار			۶۸۷	۵۴۲	۴۷۴	۲۱۰۷
۵ تا ۱۰ هکتار			۴۸۴	۴۲۸	۳۴۰	۲۲۳۸
۱۰ تا ۵۰ هکتار			۴۴۲	۴۲۸	۲۰۳	۷۷۵۹
۵۰ هکتار و بیشتر			۳۴	۲۶	۱۲	۳۲۱۸
جمع			۳۲۹۷	۲۹۹۳	۲۳۸۵	۱۷۱۵۰

ماخذ:

سرشماری‌های عمومی کشاورزی سالهای ۱۳۳۹، ۱۳۵۳، ۱۳۶۷ مرکز آمار ایران

جدول شماره ۲:

الگوی توزیعی بهره‌برداری و اراضی تحت اختیار طی سالهای ۳۹ - ۱۳۶۷

سهم از اراضی			توزیع بهره‌برداری			طبقات بهره بررداری
۱۳۶۷	۱۳۵۲	۱۳۳۹	۱۳۶۷	۱۳۵۲	۱۳۳۹	
-	-	-	۱۴/۵	۱۷/۱	۲۱/۳	بهره‌برداران بدون زمین
۴/۸	۴/۳	۵/۰	۳۵/۶	۳۵/۳	۳۱/۴	کمتر از ۲ هکتار
۱۲/۳	۱۰/۶	۱۳/۷	۲۰/۸	۱۸/۱	۱۹/۹	۲ تا ۵ هکتار
۱۸/۹	۱۸/۰	۲۱/۲	۱۴/۷	۱۴/۳	۱۴/۳	۵ تا ۱۰ هکتار
۴۵/۲	۴۵/۷	۴۶/۴	۱۳/۴	۱۴/۳	۱۲/۶	۱۰ تا ۵۰ هکتار
۱۸/۸	۲۱/۴	۱۳/۷	۱/۰	۰/۹	۰/۵	۵۰ هکتار و بیشتر
۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	جمع

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول شماره ۳:

چشم‌اندازی از عرضه طبیعی جمعیت و نیروی کار نواحی روستایی سالهای ۱۳۷۰ - ۸۰

(جمعیت به هزار نفر)

متغیرها	سال ۱۳۷۰	سال ۱۳۸۰
	وضعیت موجود	روند طبیعی (با فرض عدم مهاجرت جمعیت از نواحی روستایی)
حجم جمعیت	۲۴۰۰۰	۲۱۵۰۰
حجم نیروی کار	۶۲۴۸	۹۶۰۰
حجم جمعیت شاغل	۵۴۸۸	مبهم
حجم جمعیت بیکار	۷۶	مبهم
عرضه جدید نیروی کار در طول سالهای ۸۰ - ۱۳۷۰		۲۲۵۰
کل نیروی کار در جستجوی کار با منشاء روستایی ۸۰ - ۷۰		۴۱۱۰
کل فرصت‌های جدید شغلی مورد نیاز برای		
حفظ و نگهداشت همه نیروی کار روستایی در روستاها		۲۶۲۰
چشم‌انداز شکل‌گیری ظرفیت‌های جدید شغلی در روستاها		مبهم